

اقتصاد و اجتهاد

جستاری بر دامنه اجتهاد دینی در اقتصاد اسلامی

تألیف:

محمد رضا مهدیار اسماعیلی

www.ketab.ir

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی: ۱۴۶۵۵-۱۵۹
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی:
www.ketabesadiq.ir



دانشگاه امام صادق

اقتصاد و اجتهاد: جستاری بر دامن اجتهاد دینی در اقتصاد اسلامی ■ تألیف: محمدرضا مهدیار اسماعیلی
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ چاپ اول: ۱۳۹۴ ■ قیمت: ۶۵۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸۶۰۰۲۱۴۴۲۷۰

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: مهدیار اسماعیلی، محمدرضا
عنوان و نام پدیدآور: اقتصاد و اجتهاد: جستاری بر دامنه اجتهاد دینی در
اقتصاد اسلامی /
محمدرضا مهدیار اسماعیلی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص.
قیمت: ۶۵۰۰۰ ریال. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۴۲۷-۰
شماره افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۱۱۰۹۲

فهرست مطالب

۹	سخن ناشر.....
۱۱	مقدمه.....
۱۳	پیشگفتار.....
۱۹	فصل ۱. مفاهیم اساسی نظریه پردازی در اقتصاد اسلامی.....
۱۹	درآمد.....
۲۳	۱-۱. معیارهای اعتبار تئوری‌ها در علوم تجربی.....
۲۳	۱-۱-۱. معیارهای مربوط به تک فرضیه‌ها.....
۲۶	۱-۱-۲. معیارهای مربوط به مجموعه نظریه‌ها.....
۲۹	۱-۱-۳. بررسی جایگاه روش تجربی در نظریه پردازی در اقتصاد اسلامی.....
۳۳	۲-۱. معیارهای اعتبار تئوری‌ها بر مبنای آموزه‌های دین اسلام.....
۳۶	۱-۲-۱. تحلیلی بر نظریه پردازی اقتصاد اسلامی بر مبنای استنباط اصولی از آیات و روایات.....
۴۱	۲-۲-۱. ضرورت مستند بودن فرضیات اقتصاد اسلامی به اسلام.....
۴۲	جمع‌بندی.....
۴۷	فصل ۲. تئوری‌های اقتصاد اسلامی؛ نظریه یا فتوی؟.....
۴۷	درآمد.....
۴۸	۱-۲. دلالت‌هایی بر اسلامیزه شدن مفاهیم بنیادی اقتصاد متعارف.....
۵۹	۲-۲. تحلیلی بر پدیده اسلامیزه کردن اقتصاد.....
۷۲	جمع‌بندی.....

۷۵.....	فصل ۳. کاربرد رهیافت تلفیقی در اقتصاد اسلامی
۷۵.....	درآمد
۷۷.....	۱-۳. ارزیابی روش رشته‌ای و غیر رشته‌ای (تلفیقی) در اقتصاد اسلامی
۷۷.....	۱-۱-۳. تبیین کاستی‌های رهیافت رشته‌ای
۷۹.....	۲-۱-۳. تبیین رهیافت غیر رشته‌ای (تلفیقی)
۸۰.....	۲-۳. فرآیند رهیافت تلفیقی
۸۰.....	۳-۳. ضرورت اتخاذ رهیافت تلفیقی در نظریه‌پردازی و تولید علم اقتصاد اسلامی
۸۲.....	جمع‌بندی
۸۹.....	فصل ۴. تبیین و تطبیق رهیافت تلفیقی در اقتصاد اسلامی
۹۱.....	درآمد
۹۳.....	۱-۴. معرفی و بررسی رویکردهای مختلف رهیافت تلفیقی
۹۳.....	۱-۱-۴. رویکرد درون رشته‌ای موازی
۹۳.....	۲-۱-۴. رویکرد چند رشته‌ای
۹۵.....	۳-۱-۴. رویکرد میان رشته‌ای
۹۶.....	۴-۱-۴. رویکرد فرارشته‌ای
۹۷.....	۲-۴. ماهیت نظریه در اقتصاد اسلامی
۱۰۱.....	جمع‌بندی
۱۰۵.....	فصل ۵. ضرورت سنجی اجتهاد در اقتصاد اسلامی
۱۰۵.....	درآمد
۱۰۵.....	۱-۵. میزان شناخت لازم از دو نظام رشته‌ای
۱۰۹.....	۲-۵. بررسی ضرورت اجتهاد در رویکردهای رهیافت تلفیقی
۱۰۹.....	۱-۲-۵. بررسی ضرورت اجتهاد در رویکرد درون رشته‌ای موازی
۱۱۳.....	۲-۲-۵. بررسی ضرورت اجتهاد در رویکرد چند رشته‌ای
۱۱۷.....	۳-۲-۵. بررسی ضرورت اجتهاد در رویکرد میان رشته‌ای
۱۱۹.....	۴-۲-۵. بررسی ضرورت اجتهاد در رویکرد فرارشته‌ای
۱۳۱.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۳۵.....	منابع و مأخذ
۱۴۷.....	نمایه

فهرست جداول و نمودارها

- جدول شماره ۱: برخی ترکیب‌های مضاف و صفت در حوزه اقتصاد ۱۵
- جدول شماره ۵-۱: الگوی رشد مهارت‌ها در فرآیند رویکرد فرارشته‌ای ۱۲۰
- نمودار شماره ۱-۱: سازگاری معیارهای علوم تجربی با معیارهای اعتبار شرعی در اقتصاد ۳۳
- نمودار شماره ۳-۱: نمودار درختی رهیافت‌ها و رویکردهای هر یک ۸۰
- نمودار شماره ۴-۱: سازماندهی علوم اقتصادی در مقابل علوم اسلامی ۹۴
- نمودار شماره ۴-۲: سازماندهی نوع رابطه یک موضوع با علوم مختلف در رویکرد چندرشته‌ای ۹۵
- نمودار شماره ۴-۳: سازماندهی نوع رابطه یک موضوع با علوم مختلف در رویکرد میان‌رشته‌ای ۹۶
- نمودار شماره ۵-۱: فرآیند حل مسئله ۱۲۲
- نمودار شماره ۵-۲: بررسی گرافیکی ابعاد رهیافت‌های مطالعه شده ۱۲۴

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی -

پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

«اقتصاد اسلامی» از جمله علوم است که از سالیان دور محققان مسلمان را خودآگاه و ناخودآگاه به سوی خویش فراخوانده است. آنان که در طول تاریخ اسلام همواره آرامش و رفاه مسلمین را در پرتو تعالیم اسلامی جستجو کردند شاید اولین محققان این حوزه باشند. از ابتدای آغاز مطالعاتم در حوزه اقتصاد، فرضیه‌ام این بود که کسی که در تلاش برای نظریه‌پردازی در حوزه اقتصاد اسلامی است، ناگزیر به شناخت همزمان از اقتصاد و اسلام خواهد بود. اما کماکان در این میان، سؤالی باقی خواهد ماند که پرداختن به آن ضرورت مبرم دارد؛ و آن نحوه ارتباط اقتصاد با اسلام است. این نوشتار گام کوچکی در این مقال است. امیدوارم به حقیقت آیه شریفه «...إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...»^۱ این سخنان به پاکی اسلام، پاکیزه شده باشد و تا جایگاه حقیقی خود به محضر صاحب علم بالا رود و می‌دانم که عمل صالح من، در به کار بستن هر آنچه از حقیقت این علم می‌دانم عامل مهمی در تعالی بیشتر آن خواهد بود که توفیقش را از همان صاحب

۱. سوره فاطر آیه ۱۰: ...سخنان پاکیزه به سوی او (خداوند) صعود می‌کند و عمل صالح آن را بالا

علم طلب می‌کنم.

همچنین وظیفه خود می‌دانم تا از اساتید گرانقدر و معزز خود آقایان دکتر مهدی صادقی شاهدانی و دکتر عادل پیغامی که در نگارش این کتاب و پس از آن ارزیابی و رفع برخی از اشکالات بنده را از محبت خود محظوظ کردند تشکر نمایم. همچنین از مسئولین و اساتید گرانقدر دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، آقایان دکتر محمدهادی زاهدی وفا و دکتر محمد نعمتی که با حمایت جدی و مستقیم خود بنده را در انتشار این کتاب یاری کردند صمیمانه سپاسگزارم. ضمناً از صدیق بلندهمت و ارجمندم جناب آقای رضا باقریان و دیگر دوستان پر تلاش دفتر نشر دانشگاه امام صادق (علیه السلام) بابت همکاری‌های بی‌دریغ خود در نشر این کتاب، کمال تشکر را دارم.

محمد رضا اسماعیلی

تهران - ۲۹ آذر ماه ۱۳۹۳

پیشگفتار

امروزه اقتصاد اسلامی دغدغه‌ای است که دیگر توجه اغلب اقتصاددانان مسلمان را در سراسر جهان به خود جلب کرده است. اما در این میان با توجه به فقدان تعریفی واحد و مورد اتفاق همگان در این علم، گاه رخ می‌دهد که اقتصاددانان مسلمان با نگاه‌های متفاوتی نسبت به ماهیت اقتصاد اسلامی وارد این حوزه می‌شوند و نظرات خود را تدوین و عرضه می‌کنند.

برخی معتقدند که اقتصاد اسلامی، علمی مانند دیگر علوم است و از آنجا که علم یک معرفت سازمان یافته بشری است، اقتصاد اسلامی نیز می‌تواند بر پایه روش‌های علمی که دارای ویژگی‌های تجربه‌پذیری، تکرارپذیری و ابطال‌پذیری است، بنا شود. در واقع این گروه معتقد به قرائت اثباتی، تحقیقی یا عینی^۱ در علم اقتصاد هستند.

در نقطه مقابل عده‌ای علم اقتصاد اسلامی را بنا به تعریف خارج از قرائت اثباتی می‌دانند. زیرا بنا به تعریف اقتصاد اثباتی، ارزش‌ها و مفاهیم ارزشی گزاره‌هایی غیر علمی^۲ هستند (زریباف، ۱۳۸۷). از این رو عده‌ای

1. Positive

2. Non-Scientific

اقتصاد اسلامی را در ذیل قرائت دستوری یا ارزشی^۱ طبقه‌بندی می‌نمایند. این تعبیر در معنای عام برای احکام اخلاقی و قضاوت‌های ارزشی به‌کار برده می‌شود. از ویژگی‌های احکام ارزشی این است که لزوماً به‌صورت قضیه‌ای که بتوان حکم صحت و سقم را برای آن صادر کرد نیست. بلکه ممکن است به‌صورت حکمی انشائی به‌دست ما رسیده باشد (همان).

برخی دیگر فارغ از روش‌های فوق، معتقدند که اقتصاد اسلامی هر محتوایی است که به آموزه‌های متغیر اسلامی^۲ و احکام حکومتی استناد داشته باشد. به‌عبارت دیگر صرفاً داشتن استناد به فقه شیعه می‌تواند مبنایی برای اعتبار گزاره‌های اقتصاد اسلامی باشد (نظری، ۱۳۸۵).

و برخی دیگر در یک نگاه کلی توجه به خطوط اصلی اقتصادی موجود در اسلام و فقه اسلامی را ملاک استناد گزاره‌های اقتصادی به اسلام می‌دانند (مکارم شیرازی،^۳).

به‌طور کلی به نظر می‌رسد اغلب نظریاتی که در حوزه اقتصاد اسلامی تا این لحظه ارائه شده است، متأثر از نوع برداشت ارتكازی اقتصاددانان از اصطلاح «اقتصاد اسلامی»، قابل دسته‌بندی در دو نگرش ذیل باشد:

الف) «اقتصاد اسلامی» به‌عنوان ترکیب اضافی

ب) «اقتصاد اسلامی» به‌عنوان ترکیب وصفی

در نگرش اضافی، اقتصاد اسلام ترکیب مضاف و مضاف‌الیه است که اسلامیت به‌عنوان مضاف‌الیه بر اقتصاد، بار می‌شود. اما در نگرش وصفی، اقتصاد اسلامی ترکیبی از صفت و موصوف است که اسلامیت به‌عنوان

1. Normative

۲. در اسلام هم آموزه‌های ثابت وجود دارد و هم آموزه‌های متغیر. عناصر متغیر همان احکام ثانویه هستند که بر حسب نیاز زمان می‌توانند تغییر کنند. البته حکم این امور متصل به حکم امور ثابت است. یعنی حکم آن بر مبنای یک حکم ثابت شکل می‌گیرد. این ارتباط فقط توسط مجتهد دینی کشف می‌شود و این همان قوه پویایی فقه است (مطهری، ۱۳۸۲).

۳. سال چاپ نامعلوم

۴. طبیعی است که این دسته‌بندی همه نظریات اقتصاد اسلامی را دربر نمی‌گیرد و صرفاً اشاره به رواج یک رویه خاص دارد که لزوماً شامل همه نظریات اقتصاد اسلامی نخواهد شد.

صفت اقتصاد به آن متصل می‌شود. این ترکیب با توجه به تعریف زبان‌شناسان از ماهیت صفت و موصوف دامنه شمول اقتصاد اسلامی را وسعت بیشتری می‌بخشد.

البته ترکیب‌های وصفی و اضافی، پیش از این نیز در شاخه‌های مختلفی از علم اقتصاد مورد توجه بوده است که در جدول شماره یک به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

جدول شماره ۱: برخی ترکیب‌های مضاف و صفت در حوزه اقتصاد

ترکیب‌های صفت	ترکیب‌های مضاف
فلسفه اقتصادی	فلسفه اقتصاد
جامعه‌شناسی اقتصادی	جامعه‌شناسی علم اقتصاد
حقوق اقتصادی	تاریخ علم اقتصاد
رفتارشناسی اقتصادی	جامعه‌شناسی رفتار اقتصاددانان
انسان‌شناسی اقتصادی	هستی‌شناسی اقتصاد
مردم‌شناسی اقتصادی	معرفت‌شناسی اقتصاد
فرهنگ اقتصادی	روش‌شناسی اقتصاد
نهادشناسی اقتصادی	ارزش‌شناسی اقتصاد ^۱
مدیریت اقتصادی	غایت‌شناسی اقتصاد ^۲

مأخذ: پیغامی، ۱۳۸۷.

در واقع هدف از تقسیم‌بندی مذکور در رابطه با «اقتصاد اسلامی» آن است که بدانیم التزام به هر یک از نگرش‌های مذکور در «اقتصاد اسلامی»، موجب حرکت ملتزمین آن به کدام سمت خواهد شد و چشم‌انداز اقتصاد اسلامی را چگونه و به کدام سمت سوق خواهد داد. این مسئله در ادامه این کتاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در واقع اگر قید اسلامی بار شده بر اقتصاد را ناظر بر علوم اسلامی قلمداد کنیم، می‌توان اقتصاد اسلامی را علمی تلفیقی دانست که بر اساس

1. Ontology of Economics
2. Epistemology of Economics
3. Methodology of Economics
4. Axiology - Ethology of Economics
5. Teleology of Economics

رهیافت‌های تلفیقی - که امروزه در جهان علم توسعه معناداری را پیدا کرده است - قابل تحقق و تبلور است. این روش‌ها که در قالب رهیافت‌های تلفیق دو رشته، در محافل آکادمیک دنیا مورد استفاده قرار گرفته است و طبعاً، در تولید و تبلور اقتصاد اسلامی نیز قابل استفاده است، می‌تواند حتی به‌عنوان بهترین مبنای طراحی اقتصاد اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

در این میان اما یک مسئله مهم وجود دارد و آن تفاوت ماهوی اسلام و اقتصاد است. به این معنا که اقتصاد یک علم بشری است و اسلام یک دین الهی. این در حالی است که روش‌های تلفیق که در ادامه مورد اشاره قرار خواهند گرفت، قابلیت بکارگیری در مواردی را دارد که هر دو سوی فرآیند تلفیق، هم‌وزن^۱ باشند. و لذا روش‌های مذکور عیناً در رشته اقتصاد اسلامی قابل تطبیق نبوده و نیازمند عنصری جبرانی^۲ است که به‌عنوان برطرف‌کننده این مشکل به میدان آید و امکان استفاده از روش‌های تلفیقی را فراهم آورد. این کتاب با مبنای قرار دادن رهیافت‌های تلفیق دو رشته، در نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی پس از بررسی و تطبیق رویکردهای مذکور با موضوع بحث، تحلیل خود را در باب ضرورت نیاز به تعمق در فهم اسلام ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که علی‌رغم اختلاف در میزان دشواری در اتخاذ رویکردهای فوق، تعمق در فهم اسلام مسئله‌ای است که در همه رویکردها ضرورتاً وجود خواهد داشت. زیرا با توجه به اینکه این دو نظام از ماهیت‌های مشابه برخوردار نیستند، در بسیاری از مواقع امکان پیوند مستقیم این دو فراهم نبوده و این کار می‌تواند تنها به‌دست فردی واجد شرایط، محقق گردد و آن شرایط چیزی نیست جز عمق در فهم اسلام یا اجتهاد در معارف دین. و این مسئله با توجه به سطوح مختلف اجتهادی در فقه شیعه، یک شرط غیر ممکن و صوری نبوده و قابلیت به کار بستن را دارد.

به دیگر بیان این عالم اسلام‌شناس و مسلط بر اقتصاد است که می‌تواند

۱. هر دو، علم باشند

۲. این عنصر قدرت اجتهاد است که تبیین تفصیلی آن دو فصل پایانی کتاب ارائه گردیده است.

اصولاً مفهوم توسعه و پیشرفت اسلامی را درک کند و نه اقتصاددان اسلام جو^۱. آنگاه که این مبنا در قالب‌های علمی و پژوهشی جاری می‌شود و تجسم پیدا می‌کند، باید ابتدا شناخت اسلام مبنا قرار گیرد و سپس در بستر آن به مطالعات تخصصی پرداخته شود. بنابراین، تحقق این رسالت تنها با خواندن چند واحد درسی اسلامی به‌دست نمی‌آید بلکه باید ساختارها و قالب‌های آموزشی ناب نیز در کنار آن ایجاد شود و علوم اسلامی با عمق بیشتری مورد توجه و مطالعه قرار گیرند. بنابراین، نگارنده در این کتاب در تلاش است تا پس از اشاره به ضرورت مطالعه جامع علوم اسلامی پیش از تولید علم اقتصاد اسلامی، فرآیند تأثیرگذاری این علوم را در شکل‌گیری بنیادها و نظامات فکری یک متفکر و نظریه‌پرداز اقتصاد اسلامی نیز نشان دهد. و در حد بضاعت به تحلیل و تبیین نقش الهام‌بخش و اثرگذار علوم اسلامی در طراحی مبانی نظام اقتصاد اسلامی در ذهن یک نظریه‌پرداز مسلمان پردازد.

۱. تعبیر «اقتصاددان اسلام جو» اشاره به اقتصاددانانی دارد که اگرچه اقتصاد را به‌خوبی می‌دانند اما هنوز تعبیر اسلام‌شناس درباره آنها صحیح نیست. این اقتصاددانان ممکن است در اثر گرایشات دینی و علایق قلبی خود به اسلام، به سمت اقتصاد اسلامی متمایل باشند و صرفاً با تکیه بر دانش اجمالی خود از عمومات اسلام در پی نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی باشند. طبیعی است که نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی نیازمند تسلط کامل بر هر دو مقوله اقتصاد و اسلام است.